

نسبت‌شناسی توسعه و تعالی با مفهوم پیشرفت ابراهیم نوروزی^۱

چکیده

امروزه تمام جنجال و هیاهویی که در نظام جهانی در حوزه‌ی تئوریک وجود دارد بر سر ایدئولوژی‌های مختلف برای اداره‌ی بشر می‌باشد. معضل اصلی مطرح شده در این حوزه این است که آیا تئوری‌های توسعه می‌توانند سعادت بشر را رقم بزنند یا خیر. از سوی دیگر در اسلام مسأله‌ی «تعالی» مطرح است. حال این پرسش پیش می‌آید که مسأله‌ی تعالی را چطور باید بر بتابیم و ماهیت تعالی را به چه نحو باید ببینیم، و اینکه تعالی در نسبت با توسعه به چه معناست و دارای چه مختصاتی است، و در یک کلام در نظام اسلامی این دو مفهوم از چه جایگاهی باید برخوردار باشند به نحوی که دنیا و عقبای جامعه به موازات هم تضمین شود. با توجه به نارسایی مکاتب و الگوهای غربی و عدم تبیین و طراحی مدل بومی مشخص، ضرورت تبیین الگویی جامع، با پشتیبانی منابع غنی اسلامی بیش از پیش خودنمایی می‌کند. قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع اسلام، سرشار از مفاهیمی است که می‌توان از آن‌ها در جهت بومی کردن سیستم اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی بهره برد. «رشد» یکی از مفاهیم قرآنی است که در این مقاله به آن پرداخته شده و با محور قرار دادن این مفهوم، به تعریفی صحیح از واژه‌ی پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت رسیده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت، رشد، توسعه، تعالی، معاش، معاد

۱. مقدمه

امروزه با توجه به سیطره‌ی همه‌جانبه‌ی غرب در جهان به ویژه در حوزه‌ی مباحث علمی و نظری، تقریباً همه‌ی کشورها به سمت ایجاد و تکامل جامعه‌ی مدنی با الگو گرفتن از غرب پیش می‌روند. اما این پرسش مطرح است که آیا این تنها الگوی موجود برای داشتن جامعه‌ای سالم و موفق است؟ و آیا جامعه‌ی مدنی در دل خود مشکلات لاینحل نداشته و افق سعادت و سلامت همه‌جانبه را با غایتی روشن پیش روی بشر گسترانیده است؟ در مقابل این سؤالات، همیشه بحث از جامعه‌ی اسلامی و یا اسلامی کردن جامعه به عنوان الگویی متفاوت، در کشور ما ایران و در میان اندیشمندان مسلمان مطرح بوده است؛ چرا که به واقع قرآن کتابی الهی است که نسخه‌ای کامل برای طراحی یک زندگی فردی و اجتماعی موفق و سعادت‌مند محسوب می‌شود. اما واقعیت آن است که تلاش‌هایی که تاکنون صورت گرفته به یک طرح جامع منتج نشده است و بدون تعارف باید گفت که بسیاری نیز به عمد یا به سهو در جهت گنجاندن مفاهیم اسلام و قرآن در طرح جامعه‌ی مدنی که ریشه در فلسفه‌ی غرب و الگوی غربی دارد تلاش کرده‌اند تا دانسته یا نادانسته تضاد بین مفاهیم جامعه‌ی مدنی و تعالیم قرآن را در بسیاری از موارد مخفی نمایند.

پرسشی که در این حوزه مطرح است این است که آیا تئوری‌های توسعه‌ی نظام تمدنی غرب، می‌توانند سعادت بشر را رقم بزنند یا خیر. از سوی دیگر در اسلام مسأله‌ی «تعالی» مطرح است. حال این پرسش پیش می‌آید که مسأله‌ی تعالی را چطور باید بر بتابیم و ماهیت تعالی را به چه نحو باید ببینیم، و اینکه تعالی در

1. ebrahimnowrouzi@gmail.com

نسبت با توسعه به چه معناست و دارای چه مختصاتی است، و در یک کلام در نظام اسلامی این دو مفهوم از چه جایگاهی باید برخوردار باشند به نحوی که دنیا و عقبای جامعه به موازات هم تضمین شود. مادامی که به این مسائل پاسخ داده نشود یقیناً هر نوع طرح‌ریزی استراتژیک برای اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی راه به خطا خواهد برد؛ لذا به همین سبب است که می‌بینیم انسان‌های مؤمنی که مدیریت‌های نظام جامعه‌ی اسلامی را بعد از انقلاب اخذ کردند پس از گذشت سه دهه هنوز در معیشت مردم راه دین را پیاده نکرده‌اند و لذا «معاش» مردم به «معاد» مردم منتج نمی‌شود.

۲. پارادایم^۲ اصالت بشر^۳ و پارادایم اصالت خدا^۴

در یک تبیین صحیح علمی همیشه نیاز به تعیین و تبیین پارادایم مربوطه است. به عبارتی با توجه به تعریف پارادایم، پارادایم مدل یا یک برنامه‌ی کار عمومی است. در جامعه‌شناسی علم، پارادایم به معنای چهارچوب عمومی است که با رجوع به آن می‌توان مسائل را تحلیل نمود. (آزادی، ۱۳۹۰، ۱۲)

اما خود یک پارادایم چگونه تعیین و تبیین می‌شود؟ برای تبیین هر پارادایم می‌توان از قاعده‌ی مرکز - پیرامون استفاده کرد که در آن هر پارادایم به عنوان یک کل، به مثابه یک دایره تصور می‌شود که همه چیز در آن با مرکز دایره تعریف می‌گردد. به عبارتی همه چیز در پیرامون به مرکز اقتدا می‌کند. در واقع تبیین و تنظیم ساختار تفکر در یک پارادایم، بستگی به تبیین انگاره‌ی مرکزی که همه چیز با آن تعریف می‌شود دارد. در قاعده‌ی مرکز - پیرامون در محیط اجتماع بشری کنونی، دو گونه‌ی عمده‌ی پارادایمی وجود دارد: سوپر پارادایم^۵ اومانیسیم و ابر وادی خداگرایی. در سوپر پارادایم اومانیسیم، بشر در کانون مناسبات هستی قرار دارد، و همه چیز و همه کس با او تعریف می‌شود، حتی خدا نیز در نسبت با بشر دیده و تبیین می‌شود. در ابر وادی خداگرایی، به جای بشر یا هر پدیده‌ی دیگری، این خداست که مرکز و کانون هستی است و در مناسبات هستی، همه چیز با او تعریف و تبیین می‌شود. (مرکز بررسی‌های دکترینال، ۱۳۸۷)

۲-۱. فلسفه‌ی لسه‌فر^۶

«لسه‌فر» عبارتی فرانسوی است، به معنای «بگذار هر چه می‌خواهد انجام دهد»^۷. (Merriam-Webster Incorporated, 2005) گرچه لسه‌فر نخست مفهومی اقتصادی بود که توسط اقتصاددان انگلیسی، ریکاردو^۸ تبیین گردید (Spengler, 2011)، اما بسط این عبارت توسط افرادی همچون میل^۹، بنتام^{۱۰} و مالتوس^{۱۱} در حوزه‌ی علوم اجتماعی، علوم سیاسی، اخلاق و ... سبب شد لسه‌فر سنگ بنای مدرنیسم و اومانیسیم، در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی انسان غربی گردد. فلسفه‌ی لسه‌فر، تبیین چیستی و چرایی این موضوع است که انسان اجازه دارد هر کار می‌خواهد انجام دهد و در این راه هیچ امر و نهی شرعی و غیر شرعی را برنتابد.

² Paradigm

³ Humanism

⁴ Theism

⁵ Super paradigm (چهارچوب تصویری کلان، ابروادی)

⁶ Laissez-Faire

⁷ Laissez-faire (French) = let (people) do (as they choose)

⁸ David Ricardo (1772 -1823)

⁹ John Stuart Mill (1806 – 1873)

¹⁰ Jeremy Bentham (1748 –1832)

¹¹ Thomas Robert Malthus (1766 – 1834)

۲-۲. ایدئولوژی لیبرالیسم^{۱۲}

«لیبرالیسم» مکتب اعتقاد و اصالت به «لیبرتی»^{۱۳} ما به ازای واژه‌ی «اباحه» است که از ریشه‌ی لاتینی «لیبر»^{۱۴} به معنای آزاد و رها مشتق شده است. (Merriam-Webster Incorporated, 2005)

گرچه مبانی این ایدئولوژی در قرن هفده میلادی در آرای جان لاک^{۱۵} بیان گردیده، اما این مکتب مبتنی بر فلسفه‌ی لسه‌فر در اواخر قرن نوزدهم میلادی ظهور و بروز یافت. (Brandt, 2006, 19) اصالت اباحه، تبیین انگارهایی است که چون بشر را «رها» می‌داند لذا همه چیز برای او «مباح» در نظر گرفته می‌شود و «حلال» و «حرام» و «مستحب» و «مکروه» نفی می‌گردند.

۲-۳. مکتب تقوا

تقوا، خویشتن‌پایی است؛ مراقبت، نگهداری و مواظبت از خود! هرگاه کسی خود را از چشم دیگران دید و مواظبت نمود که آنچه را دیگران نمی‌پسندند انجام ندهد، او متقی است. حال اگر کسی خود را از چشم خدا نگریست و آنچه را که خدا می‌پسندد انجام داد و آنچه را خدا نمی‌پسندد ترک نمود، او تقوای خدا ورزیده است. تقوا را که خویشتن‌پایی خوانده‌اند ریاضت نفس نیست، رضایت نفس است به رضایت محبوب. انسان متقی حافظ حدود الهی است و لذا بایستی در پیشرفت، حفظ حدود الهی بستر و محیط عمل قرار گیرد. بنابراین تنها معیشتی، معیشت انسان‌های مؤمن را رقم می‌زند، که در امرار آن، حدود الهی برتافته شود. این حدود، حد حلال الهی در بُعد ایجابی و حد حرام الهی در بُعد سلبی را شامل می‌شود.

۳. قاعده‌ی خمسه‌ی شریعت

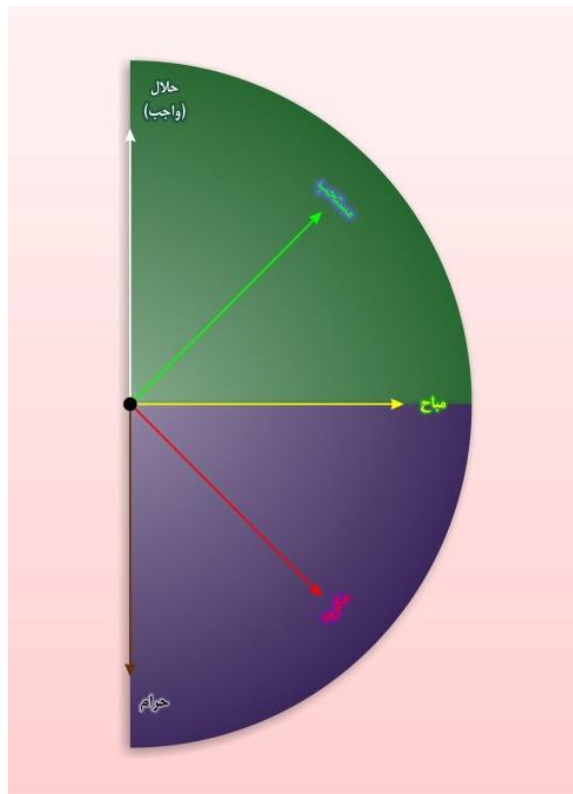
ایمان از جاده و جویبار شریعت به مؤمن می‌رسد. شریعت گستره‌ای دارد که مشمول یک قاعده‌ی پنج وجهی است. این پنج وجه قاعده‌ی شریعت عبارتند از: حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام. این پنج وجه، پهنه‌ی شریعت را در بر می‌گیرند. (شکل ۱)

¹² Liberalism

¹³ Liberty

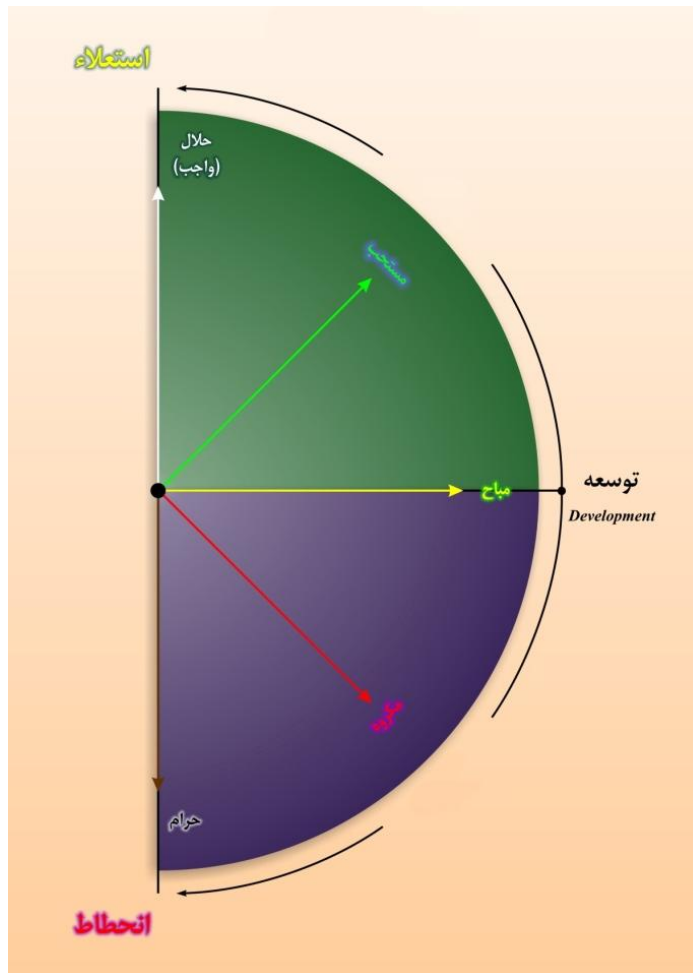
¹⁴ Liber

¹⁵ John Locke (1632 – 1704)



شکل ۱: قاعده‌ی خمسه‌ی شریعت

اگر بخواهیم نسبت بین «استعلا» و «انحطاط» را در بستر شریعت بسنجیم آنجا که واجب و حلال است حرکت به سمت استعلا و تعالی است و آنجا که حرام است حرکت به سمت انحطاط. بنابراین استعلا در برابر و در قطب مخالف انحطاط قرار می‌گیرد. در محور مباح می‌شود به توسعه رسید. (شکل ۲) توسعه می‌تواند یک امر خنثی باشد. (مرکز بررسی‌های دکتربینال، ۱۳۸۷)



شکل ۲: نسبت‌شناسی استعلاء و انحطاط

۴. نسبت‌شناسی توسعه و تعالی

زیست و حیات قرآنی در نفی «غی» و برتافتن «رشد» است^{۱۶}. یکی از معیارهای اساسی در نظام اسلامی که مبتنی بر قرآن شکل گرفته است، رشدیافتگی انسان‌ها و «رشد» شدن آنان است. کلمه‌ی رشد که امروز در حوزه‌ی مطالعات توسعه، کنار واژه‌ی «توسعه»^{۱۷} می‌آید به هیچ عنوان ظرفیت مفهومی عمیق این واژه‌ی قرآنی را نشان نمی‌دهد.

توسعه مفهومی مدرن است که در قرن بیستم جایگاه ممتازی در حوزه‌ی علوم اجتماعی به ویژه در جامعه‌سازی یافت. بنیان نظری توسعه بر مفهوم تاریخ قرار دارد. روند حرکت تاریخ بستر توسعه است و این گزاره مبنای فلسفه‌ی توسعه را شکل می‌دهد. (صفایی، ۱۳۸۹، ۵۰)

بر کرسی زمان در تاریخ، حرکت سینوسی جوامع شکل می‌گیرد. حرکت سینوسی مزبور کنشی متناوب است که فراز آن را مدرنیسم^{۱۸} و فرود آن را سنت^{۱۹} تشکیل می‌دهد. (شکل ۳)

^{۱۶} لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها و الله سميع عليم. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۵۶.

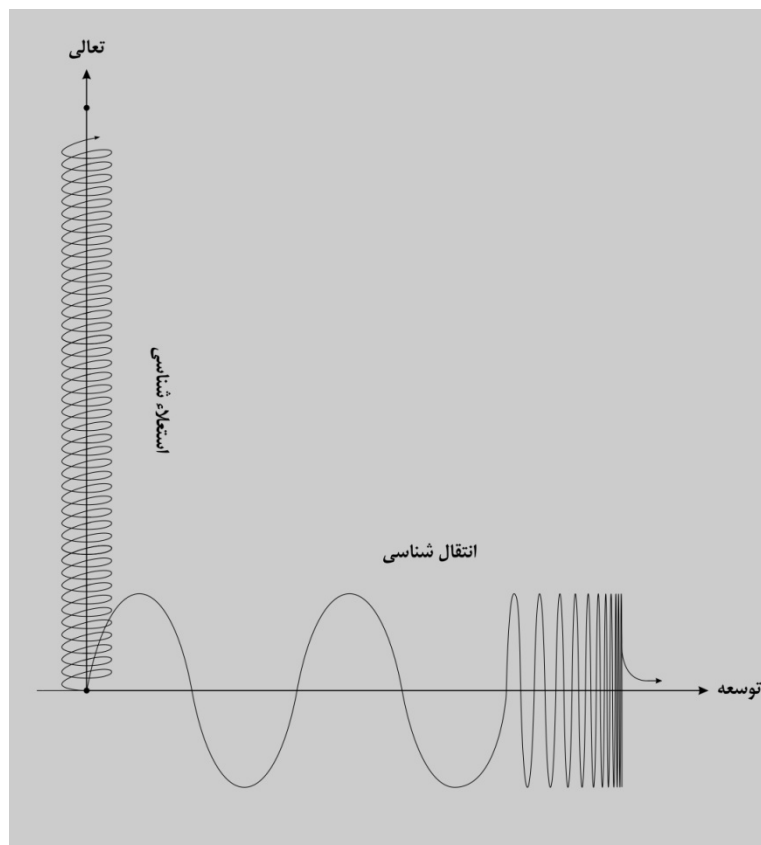
^{۱۷} Development

^{۱۸} Modernism

^{۱۹} Tradition

مقوله‌ی پذیرش کنش متناوب سنت و مدرنیسم به عنوان یک روش، مادامی که متعرض سنت الهی نشود امری ممدوح است، اما در تلقی اسلامی، مقوله‌ی توسعه، جامع همه‌ی ویژگی‌ها برای حرکت رو به جلو نیست؛ زیرا هر پیشرفت و هر حرکت رو به جلو در جامعه، مادامی که به «رشد» منتج نشود پذیرفته نیست. رشد مفهومی قرآنی است که در برابر غی قرار دارد و بن‌مایه‌ی کنش‌های اجتماعی «ارشادی» در مقابل فعل و انفعالات اجتماعی «اغوایی» است. در این جا پرسش این است: توسعه چگونه به رشد مورد نظر اسلام منتج می‌شود؟

در دکتترین توسعه، مبحث انتقال‌شناسی از سنت به مدرنیسم و مجدداً به سنت مطرح است، اما در تعالی مبحث «استعلاء‌شناسی» مطرح می‌باشد. روند تعالی فرد و جامعه در یک حرکت دورانی، مانند پیچش اتومبیل در گذرگاه پارکینگ طبقاتی، یا مانند روند مارپیچ منقوش بر یک قطعه پیچ فلزی، از پایین به بالا با سازوکاری مشخص است. (شکل ۳)



شکل ۳: نسبت‌شناسی توسعه و تعالی

وصیت پیامبر اکرم (ص) در روایت ثقلین، مبنای دکتترین تعالی در تشیع محسوب می‌شود. ثقلین یا کتاب خدا و عترت پیامبر (ص) دو منبع هدایت در اسلام هستند. عترت و امامت در مهم‌ترین کارکرد خود به عنوان امام متقین^{۲۰}، مسلمین را به مقام تقوا رسانده، و در آنجا قرآن آن‌ها را تا مرحله‌ی بعد هدایت می-

^{۲۰} وَ اجْعَلْنَا لِمُتَّقِينَ إِمَامًا، قرآن کریم، سوره فرقان، آیه ۷۴.

نماید^{۲۱}. مجدداً گزاره‌ی بعدی در زندگی فردی یا نظام اجتماعی مطرح می‌شود، و یک بار دیگر روبه‌ها و آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام راه‌گشای فرد یا جامعه تا مقام تقواست، و مجدداً نقش قرآن در هدایت تا مرحله‌ی بعد متجلی می‌شود. این تناوب میان «هدایت تا مقام تقوا» و «هدایت قرآنی از مقام تقوا» به بعد، اساس روش استعلاء‌شناسی است. (مرکز بررسی‌های دکتینال، ۱۳۸۷)

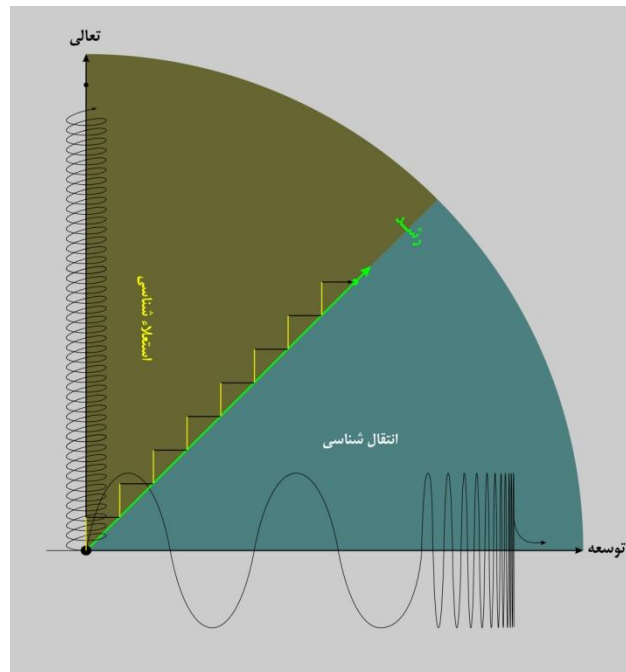
روند انتقال از سنت به تجدد و مجدداً به سنت، در دانش توسعه «مدیریت»^{۲۲} نامیده می‌شود. مدیریت توسعه، مدیریت بر روند انتقال از سنت به تجدد و مجدداً به سنت است. اما در روند تعالی، مبتنی بر حرکت «تا مقام تقوا» و سپس حرکت «از مقام تقوا» در تعالی‌شناسی «هدایت» خوانده می‌شود. در واقع حرکت در توسعه، کنشی بیرونی و مدیریت‌پذیر است و حرکت در تعالی، کنشی درونی و هدایت‌مند.

توسعه، حرکتی خطی در زمان و مکان است که فاقد گزاره‌های ارزشی بوده و بر پایه‌ی انتقال‌شناسی از سنت به تجدد استوار است و به شکل‌گیری تاریخ می‌انجامد یا بالعکس، از روند تاریخ تأثیر می‌پذیرد اما تعالی، حرکتی حلقوی و رو به بالاست که واجد گزاره‌های ارزشمند بوده و بر پایه‌ی استعلاء‌شناسی در رسیدن «تا مقام تقوا» و سپس حرکت «از مقام تقوا» است. «مدیریت» توسعه و «هدایت» تعالی در نسبت با یکدیگر یک نظام برداری شکل می‌دهند که این نظام برداری، انگاره‌ی قرآنی «رشد» را در بر می‌گیرد.

۵. قاعده‌ی رشد

واژه‌ی «رشد» از ریشه‌ی عربی «رَشَدَ» مشتق شده که از این ریشه و مشتقاتش ۱۹ بار در قرآن کریم تکرار شده است. در قاعده‌ی رشد که برآیند دو محور «توسعه» و «تعالی» است، یک جهت «شدن» مطرح است؛ لذا رشد حرکت به سمت توسعه و هم‌زمان به سمت تعالی است. بنابراین در جهت رشد، انسان یک گام به جلو و یک گام به بالا می‌رود. (شکل ۴)

^{۲۱} ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲.



شکل ۴: قاعده‌ی رشد

۶. دکترین رشد

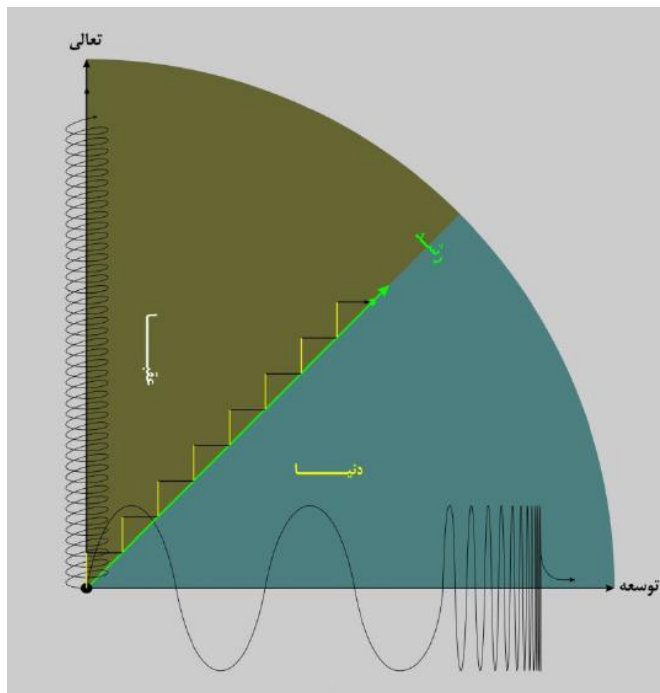
توسعه بدون تعالی، صرفاً حرکتی خطی است که اگر به انحطاط نیانجامد، لزوماً به استعلاء نیز نخواهد انجامید. از سوی دیگر، تعالی نیز صرفاً کنشی انتزاعی می‌نماید که محیط و مناسبات مادی عالم را نادیده انگاشته است، حال آن که «دنیا» مزرعه‌ی «آخرت» است و «عقبا» در نسبت با «دنیا» پدید آمده و شکل می‌گیرد.

طرح «توسعه» منهای «تعالی» یا طرح «تعالی» بدون «توسعه» یک‌سو نگری است و امکان تحقق نخواهد یافت. بردار توسعه و تعالی، به رشد منتج می‌شود. در این نظام برداری آهنگ توسعه با درجه‌ی تعالی، هماهنگ و متوازن شده و مانند کسی که برای رسیدن به بام یک ساختمان، پلکانی ایجاد می‌کند و در هر پله، قدم به جلو و گامی به بالا بر می‌دارد تا در اثر این حرکت رو به جلو و رو به بالا، به مرور از کف زمین به بام ساختمان برسد. انسان و جامعه‌ی اسلامی نیز ضرورتاً باید در هر قدم توسعه، یک گام تعالی را به صورت هماهنگ و منطبق با ملزومات یکدیگر برداشته، و توسعه و تعالی را در قالب رشد محقق نماید.

۷. نسبت شناسی دنیا و عقبا در قاعده‌ی رشد (پیشرفت)

توسعه و الگوهای متنوع آن که تجربه‌ی بشری است و نظریه‌پردازی در آن اگر نه به حد اشباع، اما به حد قابل قبولی در فرهنگ جامعه‌سازی و مدیریت بر جوامع امروزی رسیده است، متولی دنیاسازی است. رویه‌های توسعه می‌تواند روش‌های دنیاسازی خوانده شود، که سنت‌های دنیوی ناکارآمد را با تجدد دنیوی جایگزین نماید. از سوی دیگر، با عنایت به عدم کفایت الگوهای توسعه برای ساخت و پرداخت آخرت و عاقبت مطلوب و مورد نظر انسان مسلمان «تعالی» و روند حاکم بر سازوکار تحقق آن، متولی «عقبا» و عاقبت فرد و جامعه

اسلامی است. قرآن مجید عاقبت مطلوب را از آن اهل تقوا معرفی می‌نماید. در اینجا بردار رشد حاصل انطباق دنیاگرایی با عقباگرایی است. (شکل ۵)



شکل ۵: نسبت شناسی دنیا و عقبا در قاعده‌ی رشد (پیشرفت)

۸. معاش معادی

تنها معیشتی معیشت انسان‌های مؤمن را رقم می‌زند که در امرار آن حدود الهی برتافته شود. این حدود، حد حلال الهی در بُعد ایجابی و حد حرام الهی در بُعد سلبی را شامل می‌شود. از این رو با توجه به اینکه نظام سرمایه‌گرایی، اصول و مبانی خود را از اومانسیسم اتخاذ می‌کند و اصالت را به بشر و حقوق و حدود تعریف شده توسط بشر می‌دهد؛ لذا در جامعه‌ای که این نوع اصول و مبانی جریان دارد، «معاش» مردم به «معاد» مردم منجر نخواهد شد. بنابراین در یک جامعه‌ی اسلامی می‌بایست پیشرفت به نحوی صورت گیرد که حدود الهی مبنا قرار گرفته و به صورت کلی فرایندی شکل گیرد که «معیشت» مردم همراه با «معیشت» آن‌ها رقم بخورد.

۹. نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی که با انقلاب اسلامی راه را برای حرکت به سوی آن گشوده‌ایم، وقتی تمدنی اسلامی و مستقل خواهد بود که الگوی «اسلامی» و «مستقل» از الگوی توسعه‌ی تمدن غربی داشته باشد و آلا این تمدن با همه‌ی داشته‌های کهن خود و با همه‌ی شعائر خود، در بهترین فرض، در حکم «ماده» ای خواهد بود که تمدن غربی «صورت» خود را بر آن ماده می‌پوشاند و آن را تابع خود می‌سازد. در توسعه‌ی مد نظر لیبرالیسم مبتنی بر فلسفه‌ی لسه‌فر در پارادایم اومانسیسم، همه چیز مباح انگاشته شده و هیچ امر و نهی شرعی برتافته نخواهد شد؛ اما مبتنی بر مکتب تقوا در ابر وادی خداگرایی، علاوه بر توسعه، تعالی نیز مطرح می‌باشد.

بنابراین، منظور از «پیشرفت» در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه‌ی به تنهایی نمی‌باشد، بلکه توسعه‌ی همراه با «تعالی» مطرح است. اگر پیشرفت را تنها در توسعه ببینیم، غایت چنین پیشرفتی جامعه‌ی امروز آمریکاست که با شانزده هزار تریلیون دلار بدهی یک جامعه‌ی کاملاً مصرف‌گرا است و امروزه با مشکلات جدی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه است. از این رو در الگویی که قرار است مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام باشد، بایستی اصول و مبانی را از مفاهیم پایه قرآنی اتخاذ کند تا در موازات توسعه، به تعالی نیز پرداخته شده و معاش مردم به معادشان منجر شود.

مراجع

آزادی، شیرین. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی جامعه مدنی و جامعه هجری. ویراست دوم. تهران: اندیشکده یقین. صفایی، زهرا. (۱۳۸۹). مؤلفه های توسعه سیاسی - فرهنگی مهدویت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

مرکز بررسی های دکترینال (www.andishkadeh.ir)

Brandt, Richard B. (2006). Encyclopedia of Philosophy .Vol. 5. 2nd Ed. USA. Macmillan Reference. Gale Group.

Merriam-Webster Incorporated.(2005). Merriam-Webster's collegiate dictionary. 11th Ed . U.S.A. Massachusetts.

Spengler. Joseph J. (2011). Encyclopædia Britannica Online. Retrieved 18 December, 2011, from <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/502193/David-Ricardo>